



تدوین حقوق

شاپا چاپی: ۱۸۴۱ - ۲۷۸۳
شاپا الکترونیک: ۱۹۲۲ - ۲۷۸۳

دوره ۵ - شماره ۱۱ - تابستان ۱۴۰۱

واکاوی آراء مبتنی بر جبران خسارت در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست - عباس پور هاشمی، سبحان طیبی
اختیارات دادستان دیوان کیفری بین المللی در تعقیب جنایات بین المللی ابوالفتح خالقی، سید محمدصادق حسینی
جرم انگاری عدم گزارش تامین مالی تروریسم مصداقی از بی تفاوتی کیفری - جعفر موحدی، ناصر رضوانی جویباری
نگاهی جامعه شناختی به «بزه دیدگان سیاسی اجتماعی» تصمیمات و اهداف حکمرانان سیاسی از منظر فقهی و عدالت ترمیمی - سید
محمدرضا موسوی فرد، حسین نوروزیان، محمود چتری

واکاوی ابعاد کاستی های حقوقی جبران خسارات زیست محیطی فرامرزی به اشخاص غیردولتی زیان دیده - نساء قلیزاده
بایستگی التزام جامعه بین المللی به حق حاکمیت فلسطینیان بر اراضی اشغالی در سیاق حقوق بین الملل موضوعه - محمد ستایش پور،
سعید نصر الله زاده

گفتمان سیاست تسامح صفر در نظام کیفری ایران؛ بسترها و زمینه ها - رستم علی اکبری، پوریا دشتی نژاد
رویکرد تطبیقی بر آئین اقامه دعوا - حسن نجارها
بررسی عوامل قطع رابطه استناد در حقوق کیفری - جواد نادری عوج بغزی، احمد رضا امتحانی، علی پایدار فرد
پایش سری زمانی تغییرات اقلیمی حاصل از ساخت یک سد و بررسی مسئولیت دولت در قبال آثار زیست محیطی آن (مطالعه موردی سد
شرق شاه سومار) - مسعود فدائی ده چشمه، شادمان رحیمی، ابراهیم محمدی
کودک و کودکی از منظر علم - مریم شعبان

ارزش سازمان ثبت اسناد و املاک با نگاهی به موقعیت کنونی - نوربخش ریاحی
آثار قبض و رجوع در عقد هبه از منظر فقه امامیه و حقوق ایران - افشین مجاهد، امیرمحمد صدیقیان
واکاوی چالش های ماهوی و شکلی مسئله استرداد مجرمین - رضا علی پناه، علی پایدار فرد
طبقه بندی تحلیلی قراردادهای نجات دریایی: تشکیل و توسعه - امیرحسین زال نژاد
واکاوی فقهی پیرامون پذیرش قصاص مادر یا ممنوعیت آن در قانون مجازات اسلامی - سید علیرضا امین
بررسی فرآیند عدالت ترمیمی و چالش های فراروی آن در جرایم محیط زیستی - سعید اسدزاده، فاطمه احدی، مجتبی گنجوری
شهادت سردار سلیمانی در پرتو حقوق بین الملل کیفری؛ واکاوی تطبیقی ساز و کارهای موجود در مقابله با بی کیفرمانی - محمد ستایش پور،
زهره ملکی راد

چندپارگی قانون مجازات اسلامی و آثار آن (باتاکید بر جنایت علیه اشخاص) - محمدرضا نظری نژاد کپاشی، پیمان دولتخواه پاشاکی
مسئولیت بین المللی دولت در پرتو رای یازدهم دسامبر ۲۰۲۰ دیوان بین المللی دادگستری (شکایت دولت گینه استوانی به طرفیت
دولت فرانسه) - اسماعیل خلیفه
امول و قواعد حاکم بر دادرسی مدنی در حقوق ایران و فرانسه - بلقیس برهانی
امکان سنجی تفویض اختیار درخواست احاله از سوی دادستان به معاون دادستان و دادیار - مهرداد موحدی، پیمان دولتخواه پاشاکی،
وحید دادگستر

امول حاکم بر قراردادهای نفتی در نظام حقوقی ایران - هادی زارع
تأملی بر صلاحیت دیوان کیفری بین المللی در رسیدگی به جرم تروریسم - سید سجاد رزاقی موسوی
جایگاه هزینه دادرسی از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه - علی ادبی فیروز جانی، رضا آقاعباسی، سیدسجاد خالونی تفتی
تبیین اختلاف نظر موجود در خصوص بزه ایراد ضرب و جرح عمدی با سلاح سرد در پرتو نقد رای - امیررضا قانع، مریم فتح اله پور شیراز
آثار ارتکاب جرایم مالیاتی و راه های پیشگیری از آن در نظام حقوقی ایران - مریم عظیمی
تأملی بر روزه خواری در رویه قضایی؛ فعل مجرمانه یا فعل حرام؟ - سید رضا موسوی آزاده، ایمان اسفندیار، سید حامد رضوی
آسیب شناسی قانون به کارگیری سلاح در تبیین موارد مجاز تیراندازی - سامان اوجاقلو شهابی، جواد نادری عوج بغزی، سید رضا طباطبانی فر
جستاری جامعه شناختی بر تظاهر به عمل حرام در بانوان در قالب آموزه های فقهی و جرم شناسی اسلامی باتاکید بر مأموریت های پلیسی - سیدمحمد
موسوی فرد، حمیدرضا نوروزیان، فاطمه السلات ضیاالدین پور، مریم پور طهماسب بیجا، فاطمه مهر اتیان
ضمانت اجرای نقض حقوق شهروندی توسط ضابطین در قانون آئین دادرسی کیفری - امیرحسن ابوالحسنی، محمدصادق امیری
خشونت علیه زنان و راهکارهای پیشگیری از آن - امیرحسن ابوالحسنی، عبدالواحد بهمه ای



Explain the Difference of Opinion Regarding the Crime of Intentional Assault with a Cold Weapon in the Light of Criticism

تبیین اختلاف نظر موجود در خصوص بزه ایراد ضرب و جرح عمدی با سلاح سرد در پرتو نقد رای

Amirreza GHane

Master of Correctional Management and Judicial Punishments,
University of Judicial Sciences and Administrative Services,
Tehran, Iran (Corresponding Author)

امیررضا قانع

کارشناس ارشد مدیریت اصلاح و کیفرهای قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات
اداری، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

amirghanej88@gmail.com

<http://orcid.org/0000-0001-9076-5426>

Maryam Fatholahpoor Shiraz

Master student of Criminal Law and Criminology, Meybod
University, Meybod, Iran

مریم فتح اله پور شیراز

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه میبد، میبد، ایران
Anahitashirazi.955@gmail.com

Abstract

Today, considering the type of cases filed in criminal courts, especially in the field of prosecution; what can be seen most often among the criminal titles of the cases are crimes such as intentional assault, intentional assault with a cold weapon, threat and coercion with a cold weapon, and so on. Undoubtedly, the judicial disagreement in the direction of each of the crimes is a natural thing and indicates the different interpretations of the judges from the texts of the legal materials. what we are trying to say here, and what is tangible in the field of prosecution in order to deal with criminal cases related to the conflict with cold steel, is the disagreement over two major and recurring issues. First, is the use of glass by individuals to harm another a crime of intentional assault with a cold weapon? And secondly, if the perpetrator confesses to intentionally injuring himself with a cold weapon and the plaintiff refuses to provide his forensic medical certificate, the judicial authority can make an effective confession in terms of considering the general aspect of the case. Should be summoned to court and eventually sent to court by indictment, or he should close the case by issuing a restraining order for not providing a forensic certificate. what it looks like; firstly, intentionally injuring people with a glass device is a crime of intentionally injuring with a cold weapon, and secondly, if a forensic medical certificate is not provided and the accused confesses effectively, the case can be referred to the public aspect of the crime. sent two to the criminal court.

Keywords: Cold Weapon, Glass, Intentional Assault, Forensic Certificate.

چکیده

با عنایت به نوع پرونده‌های مطروحه در محاکم، آنچه به نحو غالب در بین عناوین مجرمانه قابل مشاهده است، جرایمی از قبیل ایراد جرح عمدی با سلاح سرد، قدرت نمایی با سلاح سرد و... می‌باشد. بی‌شک اختلاف نظر در راستای رسیدگی به هر یک از جرایم، امری طبیعی بوده و حاکی از برداشت متفاوت از متون مواد قانونی است. آنچه که به دنبال بیان آن هستیم و در حوزه دادسرا در راستای رسیدگی به پرونده‌های جنایی با موضوع فوق نیز ملموس است، اختلاف نظر در خصوص دو بحث عمده است. اول آن که استفاده افراد از شیشه، جهت آسیب رساندن به دیگری در زمره بزه ایراد جرح عمدی با سلاح سرد قرار می‌گیرد یا خیر؟ و دوم، در صورتی که فرد مرتکب، به عمل جرح عمدی با سلاح سرد خود اقرار نماید و شاکی نیز از ارائه گواهی پزشکی قانونی خود سرباز زند، مقام قضایی می‌تواند در جهت اقرار مؤثر وی به لحاظ رسیدگی به جنبه عمومی جرم پرونده را با قرار جلب به دادرسی و در نهایت به موجب صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال کند یا می‌بایست به لحاظ عدم ارائه گواهی پزشکی قانونی پرونده را با صدور قرار منع تعقیب مختومه نماید؟ آنچه به نظر می‌رسد؛ اولاً ایراد جرح عمدی به افراد با وسیله از نوع شیشه در زمره بزه ایراد جرح عمدی با سلاح سرد بوده و ثانیاً در صورت عدم ارائه گواهی پزشکی قانونی شکات و در راستای اقرار مؤثر متهم می‌توان پرونده را به جهت رسیدگی به جنبه عمومی بزه ارتكابی به دادگاه کیفری دو ارسال نمود.

واژگان کلیدی: سلاح سرد، شیشه، ضرب و جرح عمدی، گواهی پزشکی قانونی.

Received: 2022/04/30 - Review: 2022/07/09 - Accepted: 2022/08/24

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۱۸ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

ارجاع:

قانع، امیررضا؛ فتح اله پور شیراز، مریم؛ (۱۴۰۱)، تبیین اختلاف نظر موجود در خصوص بزه ایراد ضرب و جرح عمدی با سلاح سرد در پرتو نقد رای، تمدن حقوقی، شماره ۱۱.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، از زمره جرائم خشونت آمیز می باشد. این دسته از جرائم علیه جسم و جان، یعنی علیه آنچه که برخلاف مال، تنها دارایی واقعی انسان و جزئی از وجود اوست ارتکاب می یابد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳، ۱۹). بدون شک، امنیت جامعه، مسئله مهمی است که برقراری و حفظ آن همواره دارای اهمیت والا و شان و جایگاهی غیرقابل انکار بوده است. حسب تجربه قضایی و عملی، آنچه که امروزه در دادسرا و به خصوص دادسراهای ویژه رسیدگی به جرائم جنایی، ملاحظه می گردد، افزایش میزان پرونده هایی تحت عناوین تهدید، تظاهر و قدرت نمایی با سلاح سرد و ایراد جرح عمدی با چاقو می باشد. با کمی دقت مشخص است که بزه مذکور پیش از آن که آسیبی به اشخاص وارد نماید، امنیت جامعه و شهروندان را مورد هدف قرار داده است که می بایست به نحو جدی با آن برخورد گردد. اختلاف نظر موجود در بین پرونده های تحت رسیدگی با عناوین معنونه امری طبیعی بوده که این خود نشان از تفاوت نظرات قضایی و برداشت های متعدد از ماهیت متون قانونی است.

آن چیزی که همواره در ارتکاب بزه ایراد جرح عمدی با سلاح سرد در راستای تحقیقات مقدماتی مدنظر قضاوت تحقیق بوده، آلت جرح به کار رفته از سوی مرتکب است که جدای از متن گواهی پزشکی قانونی که اصابت جراحات را ناشی از جسم برنده نامشخص می داند، می تواند در رفع ابهام از این پرونده در راستای تفهیم اتهام متهمین کمک نماید. امروزه در بین پرونده های تحت رسیدگی در دادسرای جنایی، آنچه که بعضاً قابل مشاهده است اختلاف نظر فی مابین قضاوت تحقیق و قضاوت اظهارنظر در تعیین

نوع آلت جرح به کار رفته از سوی مرتکب بوده که با توجه به استدلال هر یک از این افراد ماهیت نوع اتهام برای متهمین تغییر خواهد. همچنین اختلاف نظر دیگری که در این خصوص به نحو گسترده قابل لمس می‌باشد در ارائه و یا عدم ارائه گواهی پزشکی قانونی شاکی و تعیین و تکلیف نتیجه نهایی پرونده در صورت وجود اقرار مؤثر مرتکب عمل است.

در ادامه با عنایت به شرح موضوع و نقد و بررسی رای صادره در این خصوص، به دنبال این مهم هستیم که حسب عرف و رویه قضایی و با استنباط از متن مواد قانونی آن نظری که به واقع نزدیک‌تر بوده و رعایت عدالت و انصاف را دربردارد به عنوان نظر نهایی و غالب ارائه نماییم.

۱- خلاصه جریان پرونده

در پرونده مورد بررسی، آقای «ح» شکایتی مبنی بر ایراد ضرب و جرح عمدی با سلاح سرد (از نوع شیشه) و تخریب عمدی و تظاهر و قدرت نمایی با سلاح سرد (از نوع) شیشه و... نسبت به آقای «الف» با همکاری آقای «ع» مطرح نموده است. پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادسرا مورد بررسی قرار گرفته است. پس از انجام تحقیقات در نهایت در راستای رسیدگی به قرار جلب به دادرسی و صدور کیفرخواست، پرونده به نزد شعبه ۱۱۳ دادگاه عمومی جزایی تهران ارسال گردیده و دادگاه پس از تشکیل جلسه نسبت به صدور رای در خصوص متهمین اقدام نموده است. دادگاه بدوی علاوه بر آن که نسبت به نوع اتهام متهمین با عنایت به متون قانونی رای خود را صادر نموده است، از طرفی استدلالی در خصوص به کار بردن شیشه در درگیری بیان داشته بدین نحو که: «در خصوص اتهام متهمان داور بر تهدید شکات به وسیله شیشه با توجه به نوع صدمات و جراحات وارده به شکات و این که شیشه جزء سلاح سرد یا مشابه آن‌ها تلقی نمی‌گردد فلذا عنوان اتهام متهمان مشمول مواد «۶۱۴»^۱ و «۶۱۷»^۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب

۱- ماده ۶۱۴: هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دایمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس (به موجب بند الف ماده یک قانون «کاهش مجازات حبس تعزیری» مصوب ۱۳۹۹: حبس درجه شش) محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود.

۲- ماده ۶۱۷: هر کس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت‌نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

۱۳۷۵ به شرح منعکس در کیفرخواست نمی‌گردد، لکن در جهت جلوگیری از تجری متهمان و دیگران و با عنایت به شیوع درگیری در منطقه از لحاظ رعایت جنبه عمومی با تغییر مواد پیشنهادی دادسرا و کیفرخواست هر یک از متهمان به تحمل شش ماه حبس تعزیری محکوم می‌گردند.»

التهایه رای مزبور از سوی شعبه ۱۱۳۰ دادگاه عمومی جزایی تهران صادر گردیده و پس از اعتراض و ارسال پرونده به شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران با این استدلال که: «نظر به این که تجدیدنظرخواه در این مرحله از رسیدگی دلیل خاص و جهات موجهی که موجبات نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته را فراهم نماید ارائه ننموده و از حیث رعایت اصول و قواعد دادرسی و مبانی استدلال و استنباط و انطباق با قانون ایراد و اشکالی وارد نمی‌باشد، الهایه نظر به فقد سابقه سوء کیفری مستنداً به تبصره دوم^۳ ماده ۲۲ قانون اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ هر دو فقره حبس وی مجموعاً به تحمل سه ماه و یک روز تقلیل می‌یابد و با اعمال تخفیف ضمن رد تجدیدنظرخواهی به عمل آمده، مستنداً به بند الف^۴ از ماده ۲۵۷ از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ دادنامه معترض عنه را تأیید و استوار می‌گرداند. رأی صادره قطعی می‌باشد.» کلیت رای صادره را تأیید نموده و صرفاً نسبت به تقلیل بخشی از رای مزبور نیز اقدام نموده است.

۲- متن آراء بدوی و تجدیدنظر^۵

۲-۱- متن رای بدوی

در خصوص اتهام آقای «م» فرزند «الف» دائر بر ایراد ضرب و جرح عمدی آقای «ج» به وسیله شیشه و تخریب عمدی خودروی شاکی و شرکت در ایراد ضرب و جرح عمدی آقای «ع» به همراه آقای «الف» و تهدید شاکی با شیشه و تخریب اموال دولتی شیشه باجه تلفن عمومی و اتهام آقای «الف» دائر بر شرکت در ایراد ضرب و جرح عمدی آقای «ع» به همراه متهم ردیف اول و تهدید شاکی با شیشه، با توجه به گزارش

۳- تبصره ۲: هرگاه دادگاه تجدیدنظر پس از رسیدگی محکوم علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند ضمن تأیید حکم بدوی مستنداً می‌تواند مجازات او را تخفیف دهد، هرچند که محکوم علیه تقاضای تجدیدنظر نکرده باشد.

۴- ماده ۲۵۷: دادگاه تجدیدنظر در مورد آراء تجدیدنظرخواسته به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌نماید: الف- اگر رأی مطابق قانون و دلایل موجود در پرونده باشد ضمن تأیید آن، پرونده را به دادگاه صادرکننده رأی اعاده می‌نماید.

۵- گزارش با به کارگیری برخی نشانه‌های نگارشی و سجاوندی و رای عیناً از بانک آراء قوه قضاییه به نشانی زیر نقل

مرجع انتظامی و شکایت شکات خصوصی و نظریات پزشکی قانونی و تحقیقات مرجع انتظامی و دادسرا و کیفرخواست دادسرای ناحیه ۱۴ تهران و استماع دفاعیات متهم ردیف اول در جلسات دادگاه بزهکاری هر دو متهم احراز می‌گردد و متهم ردیف اول به استناد ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی به تحمل شش ماه حبس تعزیری از جهت تخریب خودرو محکوم می‌گردد. به استناد مواد ۲۹۴ و ۲۹۷ و ۳۰۲ و ۴۸۰ قانون مجازات اسلامی به پرداخت سه صدم کل دیه در حق آقای «ع» ظرف یک سال از تاریخ وقوع جرم ۱۳۹۰/۰۲/۱۸ محکوم می‌گردد و هر دو متهم در مجموع با سهم مساوی به استناد مواد ۲۹۴، ۲۹۷، ۳۰۲، ۳۶۷، ۴۸۱ و ۴۸۴ با رعایت ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی به پرداخت یک فقره دو صدم و یک فقره یک و نیم هزارم و یک فقره نیم درصد کل دیه به عنوان دیه و ارش صدمات در حق آقای «ج» محکوم می‌گردند و در خصوص اتهام متهمان دائر بر تهدید شکات به وسیله شیشه با توجه به نوع صدمات و جراحات وارده به شکات و این که شیشه جزء سلاح سرد یا مشابه آن‌ها تلقی نمی‌گردد فلذا عنوان اتهام متهمان مشمول مواد ۶۱۴ و ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی به شرح منعکس در کیفرخواست نمی‌گردد، لکن در جهت جلوگیری از تجری متهمان و دیگران و با عنایت به شیوع درگیری در منطقه از لحاظ رعایت جنبه عمومی به استناد تبصره ۲ ماده ۲۶۹ قانون مجازات اسلامی با تغییر مواد پیشنهادی دادسرا و کیفرخواست هر یک از متهمان به تحمل شش ماه حبس تعزیری محکوم می‌گردند و در خصوص اتهام متهم ردیف اول مبنی بر تخریب اموال دولتی و با توجه به اوراق پرونده و دفاعیات او در جلسات دادگاه، موضوع تخریب شیشه باجه تلفن صرف‌نظر از گذشت مرکز مخابرات شهید... جرم عمدی تلقی نمی‌گردد و به جهت عدم احراز سوءنیت به استناد اصل سی و هفتم^۶ از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از این اتهام تبرئه می‌گردد. رأی صادره نسبت به آقای «ن» حضوری و نسبت به آقای «ج» غیابی است و در خصوص غیابی ظرف ده روز قابل واخواهی در این دادگاه می‌باشد و نسبت به حضوری ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر وفق مقررات است. در خصوص واخواهی آقای «الف» فرزند «ک» نسبت به دادنامه شماره ۱۷۳-۹۱۰ مورخ ۱۳۹۱/۰۳/۰۶ این دادگاه که حسب مفاد دادنامه مذکور، واخواه به اتهام مشارکت در ایراد ضرب و جرح عمدی به پرداخت دیه به نسبت سهم خودش محکوم گردیده نظر به این که واخواه دلیلی که موجبات نقض دادنامه فوق الاشعار را ایجاد نماید ارائه و ابراز نکرده است، لذا ضمن رد واخواهی دادنامه معترض عنه عیناً تأیید و استوار می‌گردد. رأی دادگاه حضوری و قطعی است.

۶- اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

۲-۲- متن رای تجدیدنظر

در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای «م» نسبت به بخشی از دادنامه شماره ۹۱۰-۰۱۷۳ مورخ ۱۳۹۱/۰۳/۰۶ صادره از شعبه ۱۱۳۰ دادگاه عمومی تهران که متضمن محکومیت تجدیدنظرخواه به شش ماه حبس به اتهام تخریب خودروی تجدیدنظرخوانده آقای «ج» و پرداخت دیه به اتهام ایراد ضرب و جرح عمدی نسبت به تجدیدنظرخوانده فوق الذکر و نیز پرداخت دیه نسبت به تجدیدنظرخوانده آقای «ع» به اتهام مشارکت در ایراد ضرب و جرح عمدی و همچنین تحمل شش ماه حبس تعزیری بابت جنبه عمومی جرم محکوم و از اتهام تخریب عمدی اموال عمومی تبرئه گردیده است نظر به این که تجدیدنظرخواه در این مرحله از رسیدگی دلیل خاص و جهات موجهی که موجبات نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته را فراهم نماید ارائه ننموده و از حیث رعایت اصول و قواعد دادرسی و مبانی استدلال و استنباط و انطباق با قانون ایراد و اشکالی وارد نمی‌باشد، النهایه نظر به فقد سابقه سوء کیفری مستنداً به تبصره ۲ ماده ۲۲ قانون اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب هر دو فقره حبس وی مجموعاً به تحمل سه ماه و یک روز تقلیل می‌یابد و با اعمال تخفیف ضمن رد تجدیدنظرخواهی به عمل آمده، مستنداً به بند الف از ماده ۲۵۷ از قانون آئین دادرسی کیفری دادنامه معترض عنه را تائید و استوار می‌گرداند. رأی صادره قطعی می‌باشد.

۳- نقد و بررسی

۳-۱- شرح ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵

قانونگذار در این ماده به واقع به مجازات فاعلین بزه جرح عمدی با سلاح سرد و امثال آن پرداخته است. در راستای این ماده آنچه قابل مشاهده است تقسیم بندی مقنن در خصوص مجازات مرتکبین این عمل می‌باشد. بدین معنی که قانونگذار در متن ماده مجازات جارحین با سلاح سرد را در صورتی که عمل ایشان نتایج زیان باری از قبیل نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضاء یا منتهی به مرض دایمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس داشته باشد به مراتب شدیدتر در نظر گرفته است. این در حالی است که صرف مجازات این افراد در این بخش از قانون با عنایت به مفاد متن ماده، از باب جلوگیری از اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران بوده است. مستفاد از ماده فوق، این است که فرد ضارب یا جارح صرفاً می‌بایست در ارتکاب عمل خود قصد و تعمد داشته باشد و حصول نتیجه (قطع، شکستن و نقص عضو) به خصوص قصد، شرط تحقق جرم نیست، لذا اگر کسی فقط به قصد زدن،

ضرباتی به کسی وارد آورد ولی منتهی به نقصان عضو شود مورد از مصادیق این ماده است، اگرچه نتیجه حاصله زاید بر قصد او بوده است (گلدوزیان، ۱۳۸۷، ۳۴۸).

نکته مهم در خصوص این ماده به واقع مطلب قید شده در تبصره^۷ آن می‌باشد. حال منشاء اختلاف در خصوص نوع آلت جرح به کار رفته از سوی مرتکب در اینجا نمایان می‌گردد. بدین منظور که آیا از این مطلب که قانونگذار بیان نموده «چاقو و یا امثال آن»، صرفاً موارد مشابه با چاقو مدنظر بوده و یا آن که موارد دیگری که جراحات وارد از طریق آن نیز می‌تواند همچون چاقو آسیب‌رسانی کند را نیز دربر خواهد گرفت.

به طور کلی حسب ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵، اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳)؛ در خصوص جنایت عمدی مادون نفس که امکان اجرای قصاص برای آن متصور نمی‌باشد سه حالت موجود است: اول- جنایت، منجر به نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضاء یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد (چه وسیله ارتکاب جرم چاقو باشد و چه نباشد): مرتکب به حبس درجه شش محکوم می‌گردد (اصلاحی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری). دوم- جنایت، منجر به جراحات فوق نشود لکن وسیله ارتکاب جرم چاقو و امثال آن باشد: مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس محکوم می‌گردد. سوم- جنایت، منجر به هیچ یک از امور فوق نگردد و وسیله ارتکاب جرم نیز چاقو و یا امثال آن نباشد: مرتکب تعزیر نمی‌گردد (غفوری، ۱۴۰۰، ۴۴۳).

۳-۲- شرح اختلاف در موضوع

در خصوص شرح اختلاف در موضوع می‌بایست در ابتدا بدین نکته اشاره داشت که برداشت افراد از متون قانونی همواره متفاوت بوده و نظرات قضایی هر یک از قضات نیز دارای پشتوانه علمی و عملی معتبری است و نشان از متفاوت بودن برداشت‌ها و رویه‌های قضایی فعال موجود در جامعه است. در خصوص این موضوع باید گفت که قانونگذار همواره به دنبال رفع موانع موجود در اجتماع و حفظ و برقراری امنیت در جامعه می‌باشد و محل ایشان در قالب قوه قانونگذاری نشان از مبرا بودن ایشان از سهو و خطا در بیان و نگارش مواد مدنظر خود خواهد بود. به واقع قوه قانونگذاری همواره در جهت بیان مطالب مدنظر خود به ساده‌ترین و کامل‌ترین نحو ممکن بوده است و شکی نیست که مطالب از سوی این قوه پس از کارشناسی‌های متعدد بیان می‌گردد.

۷- تبصره: در صورتی که جرح وارده منتهی به ضایعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.

منشاء اختلاف نظر موجود در خصوص جمله «... و امثال آن...» بوده که در تبصره ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) نگارش گردیده است. عده‌ای از قضات در رویه عملی، معتقد بر این باور هستند که این جمله در واقع حاکی و عطف به ابزار مشابه به چاقو دارد و سایر موارد نظیر شیشه، میله آهنی و... را دربرنخواهد گرفت. در مقابل عده‌ای دیگر بر این عقیده هستند که با عنایت به آن که قانونگذار این جمله را به نحو اطلاق بیان نموده است و از طرفی قوه قانونگذاری در مقام مخاطب و بیان مطالب می‌بایست کمترین سهو و خطا را مدنظر قرار دهد؛ لذا نظر ایشان حاکی از آن است که ابزاری که جراحاتی مشابه با این موارد دارد را نیز می‌تواند دربرداشته باشد. به عنوان نمونه مقنن در تبصره^۸ ماده ۶۵۱ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، پس از بیان لفظ سلاح، منظور خود را در خصوص نوع آن بیان داشته و از برداشت متفاوت و اطلاق گونه نیز خودداری نموده است. به نظر می‌رسد عقیده گروه دوم به واقع نیز نزدیک‌تر بوده و به هدف جرم‌انگاری این ماده نزدیک‌تر می‌باشد، چرا که همانگونه که بیان شد هدف از جرم‌انگاری در این ماده جلوگیری از ایجاد اختلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران بوده و فرقی ندارد که این فرد با چاقو این عمل را انجام دهد و یا در حین درگیری پس از شکستن و تخریب شیشه به دیگری جرحی وارد نماید در هر صورت عمل این فرد جراحت و آسیب زیان باری را دربرخواهد داشت و موجبات اختلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران را فراهم آورده است.

بله درست است که تحقق بزه قدرت نمایی با سلاح سرد با عنایت به لفظ قدرت نمایی صرفاً به استفاده مرتکب از چاقو، قمه، شمشیر و... اشاره دارد، لذا نباید این دو ماده با یکدیگر تداخل یابند و برداشت یکسانی در این خصوص شود؛ چرا که به عقیده ما حسب ماده ۶۱۴ قانون مزبور، علاوه بر هدف مقنن می‌بایست نوع، میزان و شدت آسیب وارده به مجنی علیه را در نظر گرفت و آلت جرح به کار رفته را با نوع و میزان جراحات و خطرناک بودن آن سنجید.

در خصوص وجود اختلاف نظری دیگر نسبت به این ماده که در رویه قضایی بعضاً به نحو گسترده

۸- تبصره: منظور از سلاح مذکور در این بند موارد ذیل می‌باشد: ۱- انواع اسلحه گرم از قبیل تفنگ و نارنجک. ۲- انواع اسلحه سرد از قبیل قمه، شمشیر، کارد، چاقو و پنجه بوکس. ۳- انواع اسلحه سرد جنگی مشتمل بر کاردهای سنگری متداول در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران یا مشابه آن‌ها و سرنیزه‌های قابل نصب بر روی تفنگ. ۴- انواع اسلحه شکاری شامل تفنگ‌های ساچمه زنی، تفنگ‌های مخصوص بیهوش کردن جانداران و تفنگ‌های ویژه شکار حیوانات آبی.

موجود است، شیوه رسیدگی به پرونده ایراد جرح عمدی با چاقویی است که متهم به بزه خود اقرار دارد و لیکن شاکی از ارائه گواهی پزشکی قانونی نیز خودداری نموده و اعلام گذشت کرده است. در این مورد نیز دو نظر در عمل موجود است؛ عده‌ای بر این باور هستند که با توجه به عدم ارائه گواهی پزشکی قانونی شاکی و اعلام رضایت بدون قید و شرط شاکی، می‌بایست پرونده با صدور قرار نهایی منع تعقیب مختومه گردد. در مقابل نیز عده‌ای معتقد هستند می‌بایست پرونده در راستای رسیدگی به جنبه عمومی جرم و با عنایت به اقرار مؤثر وی به موجب قرار جلب به دادرسی و در نهایت صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری دو ارسال گردد. به نظر می‌رسد در این مبحث نیز نظر گروه دوم به واقع نزدیک‌تر می‌باشد. چرا که شاکی صرفاً از حقوق خصوصی که به واقع اخذ دیه و خسارت وی بوده است اعلام گذشت کرده و جنبه عمومی جرم نیز به لحاظ قبح عمل مرتکب و جلوگیری از بیم تجری سایر افراد و وی حسب مورد از وظایف دادستان و حوزه دادرسی بوده و متهم نیز با اقرار به ارتکاب جرم، قبح عمل خود را پذیرفته است و صدور قرار منع تعقیب نیز صرفاً وی را گستاخ‌تر از سابق خواهد کرد. از طرفی در پاسخ به آن دسته که عقیده به مختومه شدن پرونده با قرار منع تعقیب دارند نیز می‌توان بیان نمود که شاید صدور قرار تعلیق تعقیب متهم و اخذ درخواست در صورت تمایل از وی می‌تواند به مراتب مفیدتر از بستن پرونده بدون نتیجه باشد و از تجری و جریح شدن افراد نیز جلوگیری خواهد نمود.

نتیجه

همانگونه که در ابتدای این پژوهش بدان اشاره کردیم به واقع در این اثر به دنبال پاسخ به دو سوال عمده بودیم که منشأ اختلاف نظر قضایی در بین قضات محاکم و علی‌الخصوص حوزه دادرسی شده است. بدون شک هدف قانونگذار از تدوین قوانین موضوعه برقراری نظم و امنیت به نحو گسترده در جامعه می‌باشد و این دو سوال مهم نیز می‌تواند تأثیر مطلوبی در این خصوص گذارده و مبنای نظر قانونگذار را نمایان سازد.

دو مبحث عمده که موجبات نگارش این پژوهش را فراهم آورد عبارت است از: «اول؛ آن که آیا استفاده افراد از شیشه به جهت آسیب رساندن به دیگری در زمره بزه ایراد ضرب و جرح عمدی با سلاح سرد قرار می‌گیرد یا خیر؟ و دوم آن که در صورتی که فرد مرتکب، به عمل جرح عمدی با سلاح سرد خود اقرار نماید و از طرفی شاکی نیز از ارائه گواهی پزشکی قانونی سرباز زند مقام قضایی می‌تواند در جهت اقرار مؤثر وی به لحاظ رسیدگی به جنبه عمومی جرم پرونده را با قرار جلب به دادرسی و در نهایت

به موجب صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال کند یا آن که می‌بایست به لحاظ عدم ارائه گواهی پزشکی قانونی پرونده را با صدور قرار منع تعقیب مختومه نماید؟»

در راستای پاسخ بدین سوالات، نظرات هر یک از گروه‌های معتقد را بررسی نمودیم و در پایان در خصوص پاسخ سوال اول بدین نتیجه رسیدیم که؛ با عنایت به آن که قانونگذار این جمله را به نحو اطلاق بیان نموده است و از طرفی قوه قانونگذاری در مقام مخاطب و بیان مطالب می‌بایست کمترین سهو و خطا را مدنظر قرار دهد؛ لذا نظر ایشان حاکی از آن است که ابزاری که جراحاتی مشابه با این موارد دارد را نیز می‌تواند دربرداشته باشد. به عنوان نمونه مقنن در ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵، پس از بیان لفظ سلاح، منظور خود را در خصوص نوع آن بیان داشته و از برداشت متفاوت و اطلاق گونه نیز خودداری نموده است، چرا که همانگونه که بیان شد هدف از جرم‌انگاری در این ماده جلوگیری از ایجاد اختلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران بوده و فرقی ندارد که این فرد با چاقو این عمل را انجام دهد و یا در حین درگیری پس از شکستن و تخریب شیشه به دیگری جرحی وارد نماید. در هر صورت عمل این فرد جراحت و آسیب زبان باری را دربرخواهد داشت و موجبات اختلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران را فراهم آورده است.

در خصوص پاسخ به مبحث ثانی نیز در مجموع آنچه که به واقع و هدف قانونگذار نزدیک‌تر بوده حاکی از آن است که؛ می‌بایست پرونده در راستای رسیدگی به جنبه عمومی جرم و با عنایت به اقرار مؤثر وی به موجب قرار جلب به دادرسی و در نهایت صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری دو ارسال گردد؛ چرا که شاکی صرفاً از حقوق خصوصی که به واقع اخذ دیه و خسارت وی بوده است اعلام گذشت کرده و جنبه عمومی جرم نیز به لحاظ قبح عمل مرتکب و جلوگیری از بیم تجری سایر افراد و وی حسب مورد از وظایف دادستان و حوزه دادرسی بوده و متهم نیز با اقرار به موضوع ارتکاب و قبح عمل خود را پذیرفته است و صدور قرار منع تعقیب نیز صرفاً وی را گستاخ‌تر از سابق خواهد کرد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- غفوری، احمد، ۱۴۰۰، شرح آزموننی قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات آریا داد.
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۷، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجد.
- میرمحمدصادقی، حسین، ۱۳۹۳، حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اشخاص، تهران، انتشارات میزان.

قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵
- قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸
- قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱

وب سایت

- سامانه ملی آرای قوه قضاییه <https://ara.jri.ac.ir>

Analysis of Opinions Based on Compensation in the Light of International Environmental Law. Abbas Poorhashemi, Sobhan Tayebi
Powers of the Prosecutor of the International Criminal Court in the Prosecution of International Crimes. Abolfath KHaleghi, Sayyed Mohammad Sadeh Hosseini

Criminalization of Not Reporting Terrorism Financing as an Instance of Criminal Apathy. Jafar Movahedi, Naser Rezvani Jouybary
A Sociological Look at the Socio-Political Victims of the Decisions and Goals of Political Rulers from the Perspective of Jurisprudence and Restorative Justice. Sayyed Mohammadreza Mousavifard, Hossien Norozian, Mahmud CHatri

Investigating the Dimensions of Legal Shortcomings in Compensation of Transboundary Environmental Damages to Injured Non-Governmental Persons. Nesa Gholizadeh

Necessity of Obligation of International Community in Respect of the Rights of Palestinian to Sovereignty Over the Occupied Territories in the Context of International Law. Mohammad Setayesh Pur, Saeid Nasrollah Zadeh

Critique of the Policy of Zero Tolerance in the Iranian Penal System. Rostam Ali Akbari, Pourya Dashti Nejad

A Comparative Approach to Litigation. Hasan Najjarha

Investigating the Factors of Breaking the Relationship of Citation in Criminal Law. Javad Naderi ooj Boghzi, Ahmadreza Emtehani, Ali Paidarfard

Time Series Monitoring of Climate Change Resulting from the Construction of a Dam and Investigation of Government Responsibility for its Environmental Effects (Case Study of Sharafshah Somar Dam. Masoud Fadaei Dehcheshmeh, Shadman Rahimi, Ebrahim Mohammadi
Child and Childhood from the Perspective of Science. Maryam SHA'ban

Value of the Real Estate Registry by Looking at the Current Situation. Noorbakhsh Riahy

The Effects of Receipt and Recourse in the Contract of Hebeh from the Perspective of Imami Jurisprudence and the Subject Law of Iran. Afshin Mojahed, Amirmohammad Sediqian

Analysis of the Substantive and Formal Challenges of Extradition. Reza Alipanah, Ali Paidarfard

Analytical Classification of Maritime Rescue Contracts: Formation and Development. Amir Hossein Zalnejhad

Jurisprudential research on the acceptance of mother retaliation or its prohibition in the Islamic Penal Code. Sayyed Alireza Amin

Investigating the Process of Restorative Justice and the Challenges it Faces in Environmental Crimes. Saeed Asadzadeh, Fatemeh Ahadi, Mojtaba Kanjori

Martyrdom of Major General Soleimani in the Light of International Criminal Law: A Comparative Analysis of Existing Mechanisms to Combat Impunity. Mohammad Setayesh Pur, Zahra Maleki Rad

Multiplicity of the Islamic Penal Code and its Effects (with Emphasis on Crimes Against Persons). Mohammadreza Nazarinejad
Kiashi, Peyman Dolatkahh Pashaki

International Responsibility of the State in the Light of the Judgment of Eleventh December 2020 of the International Court of Justice (Equatorial Guinea v. French). Esmail KHALife

Principles and Rules Governing Civil Proceedings in Iranian and French Law. Belghais Borhani

Feasibility of Delegating the Authority to Request Referral from the Prosecutor to the Deputy Prosecutor and the Assistant Prosecutor. Mehrdad Movahedi, Peyman Dolatkahh Pashaki, Vahid Dadgostar

Principles Governing Oil Contracts in the Iranian Legal System. Hadi Zare

Investigating the Competence of International Criminal Court in Dealing with Terrorism. Sayyed Sajjad Razaghi Mousavi

The Status of Court Costs from the Perspective of Imami Jurisprudence, Iranian and French Law. Ali Adabi Firozjaie, Reza Aghaabasi, Sayyed Sajad Khalooei Tafti

Explain the Difference of Opinion Regarding the Crime of Intentional Assault with a Cold Weapon in the Light of Criticism. Amirreza GHane, Maryam Fatholahpoor Shiraz

The Effects of Committing Tax Crimes and Ways to Prevent it in the Iranian Legal System. Maryam Azimi

Reflections on Fasting in Jurisprudence; A Criminal Act or a Forbidden Act. Sayyed Reza Mousavi Azadeh, Iman Esfandiari, Sayyed Hamed Razavi

Pathology of the Law on the Use of Weapons in Explaining Permitted Shooting Cases. Saman Ojaghloo Shahabi, Javad Naderi ooj Boghzi, Sayyed Reza Tabatabay Far

A Sociological Inquiry into the Pretense of Haram Acts in Women in the Form of Islamic Jurisprudence and Criminology Teachings with Emphasis on Police Missions. Sayyed Mohammadreza Mousavifard, Hamidreza Norozian, Fatemeh Sadat Ziauddinpour, Maryam Portahmasb Picha, Fatemeh Haratian

Guarantee of Violation of Civil Rights by Officers in the Code of Criminal Procedure. Amirhasan Abolhasani, Mohammad Sadeh Amiri

Violence Against Women and Ways to Prevent it. Amirhasan Abolhasani, Abdolvahed Bahmehei